**از علامه محمد قزوینی به حبیب یغمایی**

**قزوینی، محمد**

بعد از فرستادن مکتوب چند روز قبل خود راجع به دار السّلم که در زیر عکس مقابل ص 32 از ممدوحین سعدی چاپ شده و در آن مکتوب عرض کرده‏ بودم که به احتکمال قوی دار السلم اشتباه است و مراد از آن قبرستان سلم است از مراجعه مأخذ دیگر مانند شیراز نامه و فارسنامهء ناصری و غیره حالا قطع‏ و یقین دارم که همان حدس بنده صحیح است و دیگر مجرد احتمال نیست و قطعا تعبیر «دار السلام»اشتباه و تحریف است از آنکس که این اطلاع را بسر کار داده و صواب‏ بدون هیچ شک و شبهه«در سلم»بجای دار السلم(یعنی در بجای دار و حذف‏ الف و لام از السلم)زیرا که در حقیقت قبرستان معروف سلم بیرون دروازه معروف‏ بهمان اسم یعنی در سلم واقع بوده است که اکنون این دروازه شاه داعی‏ می‏گویند،واین دروازه مابین جنوب و مغرب شیراز یعنی در همانجائی که بناء «ابش خاتون»واقع است که مرقوم داشته‏اید در خود شیراز واقع است.(رجوع‏ شود به صفحه کآ از مقدمه آن کتاب و به صفحات 28،34،114،115،155از خود کتاب)و در قابوس نیز در ماده س ل م تصریح می‏کند که«باب سلم محلّة بشیراز». باری مقصود اینست که در بعضی از نسخی از این رساله که به بعضی فضلاهدیه‏ می‏دهید بد نیست اگر در صورت داشتن وقت دار السلم را به در سلم تصحیح فرمائید

با دست و اگر هم بعدها چاپ دومی از این کتاب خواستید بفرمائید حتما دار السلم را به در سلم باید تبدیل فرمائید.انشاء اللّه.

\*\*\* عرض دیگر آنکه اگر چاپ دومی احیانا از این کتاب شد خوب است عبارت‏ «تمام شد پاکنویس مقالهء راجع به ممدوحین شیخ بزرگوار سعدی علیه الرّحمه به‏ قلم مؤلف حقیر آن محمّد بن عبد الوهاب قزوینی عفی الخ»را بکلی در آخر مقاله‏ یعنی بعد از توضیح راجع به«علکان»مقرر فرمائید چاپ کنند.دیگر تصدیع را ختم می‏کند.

با تجدید مراتب تشکر و امتنان ابدی‏ مخلص محمد قزوینی

ترجمه و تفسیر

نساؤ کم حرث لکم فأتوا حرثکم انی شئتم...

(البقره آیه 223) زنان شما کشت‏زار شما هستند و به هنگام خواستید به این‏ کشت‏زار درآئید...

در صحیح بخاری و صحیح مسلم و نیز ابو داود و ترمذی از عامه از جابر این موضوع را روایت کرده‏اند و نیز احمد و ترمذی از ابنابن‏عباس و هم‏چنین‏ صاحب روض الجنان چنین نقل نمایند که:روزی عمر بن الخطام نزد پیامبر آمد و گفت یا رسول اللّه بدادم برس که نابود شدم.پیامبر فرمود مگرچه شده‏ است؟گفت دیشب با زوجه خود در قبل او پشت سر نزدیکی نمودم.پیامبر چیزی نفرمود و این آیه نازل گردید.

و نیز طبری و ابو یعلی و ابن مردویه از عامه از طریق زید بن اسلم او از عطاء بن یسار او از ابو سعید الخدری روایت کنند که مردی با زن خود در دبر او وطی کرد.مردم عمل او را زشت شمردند سپس این آیه نازل گردید.